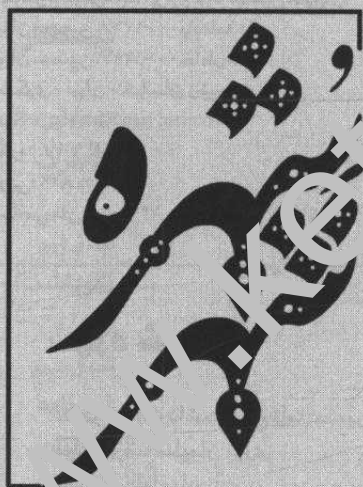




خاطرات، نکوداشت و مجموعه

حسین ادیبیان

رضا سلیمان نوری

سرشناسه: سلیمان نوری، رضا، ۱۳۵۲-

عنوان و نام پدیدآور: شهره شهر: خاطرات، نکوداشت و ارج نامه حسین ادیبیان / رضا سلیمان نوری؛ ویراستار الهام پارسایی.

مشخصات نشر: مشهد: محقق، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۶۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۹۷۲۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

عنوان دیگر: خاطرات، نکوداشت و ارج نامه حسین ادیبیان

موضوع: ادبیات، حسین، ۱۳۱۷- -- یادنامه ها

موضوع: ادیبیان، حسین، ۱۳۱۷- -- خاطرات

موضوع: کرد، نوری ایران- خراسان رضوی

موضوع: Tourism Iran Khorasan Ra...

رده بندی کد: ۲۰۱۱-۵۰۰

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۲۹

شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۲۰۰۶۴

شهره شهر

خاطرات، نکوداشت و ارج نامه حسین ادیبیان

مؤلف: رضا سلیمان نوری

ویراستار: الهام پارسایی

طراحی و صفحه آرایی: احسان رضایی

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۹۷-۲۹-۵

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤلف است.

انتشارات محقق

مشهد، خیابان دانشگاه، خیابان اسرار

مقابل دانشکده علوم، پلاک ۵۳، تلفن: ۹۱۵۱۱۶۳۱۱

hoseini.seyedkhalil@gmail.com

انتشارات

محقق



فهرست

۴	مقدمه
۸	پیشگفتار
	فصل اول
۱۰	خاطرات
	فصل دوم
۸۹	نکوداشت
	فصل سوم
۱۱۹	رج نامه
۱۲۰	دوستان
۱۳۰	خاندان
۱۴۰	تقدیمی
	فصل چهارم
۱۴۷	تصاویر

مقدمه

نوشتن درباره افرادی که تاثیر خاصی در جامعه خود گذاشته اند همواره سخت است. دليل اين سختی هم پيش از هر سرده گری خالت نظرات شخصی نویسنده درباره فرد مورد نظریه هنگام تنظیم متن است. بر همین اساس است که شاید بهترین راه برای پرداختن به افراد خاص گفتگو با ایشان و پرداختن به گفتگوها زیر نظر آنان است. امری که نوع سازمان یافته تاریخ شفاهی محسوب می شود. به عبارت بهترین نوع نوشتار تاریخ شفاهی است که از خامی کامل خارج شده و با ظرافت و مخاطب گفتگو بخش هایی بر آن افزوده یا از آن کاسته شده است تا سندیت مترسورد تایید فردی که موضوع گفتگوها و یا به عبارت بهتر دلیل اصلی تنظیم نوشتار است، قرار گیرد. کتابی که پیش رو دارید هم از این دست منابع مکتوب است. با این تفاوت که رسیدن به این مرحله و هماهنگ شدن با سوژه کتاب خود دیرزمانی طول کشید. واقعیت این است که پرداختن به زندگی حسین ادیبیان به عنوان فردی که بسیاری از نخستین های

گردشگری خراسان بزرگ به دست او رقم خورده، یکی از آرزوهای شخصی من بوده است. آرزویی که حضور در آیین نکوداشت وی در سال ۹۷ بر آن دامن زد چه آنکه زوایای جدیدی از زندگی ایشان در خلال این برنامه و براساس روایات ارائه شده از او توسط سخنرانان مراسم برای من روشن شد. زوایایی که نشان می‌داد او علاوه بر شاخص بودن در حوزه گردشگری در حوزه‌هایی چون قرآن پژوهی، ادبیات، سیاست و دست داشتن در کارهای نیک هم حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. این آرزو در مرحله رویاپردازی به زندگی خود ادامه می‌داد تا اینکه شهریورماه سال ۱۳۹۸ در حاشیه برگزاری مراسم بزرگداشت استاد محمدمتقی شریعتی که تحت عنوان "حان جهان دانش و اخلاق" در مشهد برگزار شد، شرایط به گونه‌ای رقم خورد که تعادلی از مهمانان این مراسم از جمله دکتر احسان شریعتی در قالب توری که توسط انجمن توسعه گردشگری چهارباغ خراسان برگزار شد به مزینان سفر کردند. جایی که اینجانب افتخار راهنمایی آن را برعهده داشت و استاد حسین ادیبیان به همراه نوی گرامیشان هم با توجه به حضور دکتر احسان شریعتی از اعضای شرکت کنندگان در آن بودند و درست همین تور باعث شد تا آشنایی من و جناب ادیبیان که پیش‌تر به گونه‌ای که اندکی بعد ایشان در تماسی تلفنی خواستار گپ و گفتی می‌شدند، گپ و گفتی که حاصلش هماهنگ شدن برای انتشار کتاب پیش‌رو است، آشنایی که به بخش نخست آن حاصل بیش از یازده جلسه هم‌کلامی با جناب ادیبیان در دفتر آژانس و منزل ایشان است. هم کلامی‌هایی که برای اینجانب یک سال درس بزرگ بود و در آن بسیار نکات ریز اخلاقی و دینی و فرهنگی آموختم که به قلم نتوان نگاشت. و اما دیگر بخش‌های کتاب هم حاصل همفکری جناب ادیبیان با اینجانب بود تا ضمن تنوع بخشی به مجموعه، برخی سخنان که به دلیل کمی اشراف من به زوایای مختلف زندگی ایشان و یا تواضع جناب ادیبیان در بخش



نخست مورد غفلت قرار گرفته بودند، هم مورد توجه قرار گیرند و خوانندگان به آن‌ها نیز اشراف پیدا کنند. و صد البته که بخش آخر کتاب هم که بر طبق روال این نوع کتاب‌ها به گزیده‌ای از عکس‌های ادوار مختلف زندگی جناب ادیبیان اختصاص پیدا کرد خود یک فصل کامل از گذشته فرهنگی، اجتماعی و گردشگری خراسان را در خود نهان دارد.

بیست این را نیز متذکر شوم که پیشنهاد اینجانب برای عنوان کتاب با توجه به زوایای مختلف زندگی جناب ادیبیان واژگان "همیشه مسافر" بود اما ایشان با کمال تواضع بیش از حد، مرا جعه به دیوان حافظ شیرازی را برای این مهم دادند و نتیجه این غزل بود:

منم که شهر بهرم عشق ورزیدن
منم که دیده نیالوده‌ام به بدیدن
وفا کنیم و ملامت کشیم و خول را سیم
که در طریقت ما کافر است رنیدن
به پیر میکده گفتم که چیست راه نجار
بخواست جام می و گفت عیب پوشان
مراد دل ز تماشای باغ عالم چیست
به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن
به می پرستی از آن نقش خود زدم بر آب
که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن
به رحمت سر زلف تو و اثمم و رنه
کشش چون بود از آن سوچه سود کوشیدن
عنان به میکده خواهیم تافت زین مجلس
که وعظ بی عملان واجب است نشنیدن
ز خط یار بیاموز مهربا رخ خوب

که گرد عارض خویان خوش است گردیدن

مبوس جزلب ساقی و جام می حافظ

که است زهد فروشان خطاست بوسیدن

و بدین گونه این کتاب "شهره شهر" نام گرفت.

سرانجام اینکه کتاب پیش رو تلاشی است در حد بضاعت اینجانب برای معرفی پیرفرزانه گردشگری خراسان، استاد حسین ادیبیان و برهمین اساس اگر کمبودی است به دلیل ضعف تحریر است و گرنه جناب ادیبیان در سرانجام رساندن این کار بسیار همراه و همایون بودند.

رضا سلیمان نوری

۱۳۹۸/۱۲/۱۸